

جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی مصر طی یک کودتای نظامی، ثمره مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه ای توده های مردم را تصاحب کرد.

در نیمه دوم ماه جنوری سال (2011) میلادی توده های خلق مصر بپا خاستند و اعتراضات و تظاهرات گسترده ای را علیه رژیم ارتجاعی و استبدادی و ضد مردمی حسنی مبارک آغاز کردند و بیش از (300) تن آنها توسط رژیم مبارک کشته و صدها تن مجروح و به همین صورت صدها تن دیگر دستگیر و زندانی شدند که توسط دستگاه امنیت رژیم حسنی مبارک وحشیانه شکنجه شدند. بالاخره بتاريخ (11) فبروری حسنی مبارک مجبور به استعفا از مقامش گردید. خیزش توده های مردم مصر به اثر شدت فشار و اختناق همه جانبه رژیم بطور خود بخودی آغاز گردیده بود و از ستاد فرماندهی سیاسی انقلابی و مترقی محروم بودند تا می توانست مبارزات آنها را بگونه انقلابی و مترقی سمتهی و رهبری کند؛ لذا جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی سرمایه دار و ملاک، مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه خلق مصر را در نیمه راه متوقف کرده و ثمره مبارزات آنها را تصاحب کردند. بتاريخ (12) فبروری همان سال شورای عالی فرماندهی ارتش مصر بر رهبری فیلد مارشال حسین طنطاوی وزیر دفاع مصر که از حمایت همه جانبه امپریالیسم، خاصاً امپریالیسم امریکا برخوردار بود، زمام قدرت را در مصر بدست گرفت و طی اعلامیه ای گفت که دولت بعد از حسنی مبارک تا زمان تشکیل یک دولت جدید بر سر کار باقی خواهد ماند و باین صورت حاصل همه مبارزات و فداکاریها و قربانیهای بیدریغ خلق مصر در جهت تحقق خواستهای حق طلبانه ای شان توسط جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی مصر تصرف گردید. با آنکه خلق مصر خاصاً روشنفکران مترقی و روشنیان جامعه مصر به هیچ صورت از وضعیت بوجود آمده بعد از کناره رفتن حسنی مبارک راضی نبودند؛ اما ارتش این چماق سرکوب طبقات حاکم که در جریان مبارزات خلق مصر علیه رژیم مبارک ظاهراً ژست "بیطرفانه" گرفته بود، توانست با این نیرنگ سیاسی اکثریت توده های خلق مصر را اغوا کند. در آن زمان مطبوعات مصر و مطبوعات امپریالیستی و ارتجاعی حامی و هوادار رژیم جدید با گسترده شدن تحولات مصر برای توده های خلق مصر پیروزی «انقلاب» شان تبلیغ کردند. و تعدادی از روشنفکران و گروه های بورژوا فرمیست مصر منجمله تشکلات رویونیستی و اپورتونیستی با مطبوعات امپریالیستی و ارتجاعی همصداد شده و آن تحول (تغییر رژیم) را پیروزی «انقلاب» مردم مصر خواندند. اما نا رضائی روشنفکران مترقی و بخشهای زیادی از جامعه مصر همچنان ادامه یافت و طی مدت دو سال بار بار اعتراضات و تظاهرات نسبتاً گسترده ای را علیه طبقات حاکم (دولت) سازمان دادند و نا رضائی شان را از وضعیت بوجود آمده ابراز کردند.

دولت موقت بعد از سقوط رژیم حسنی مبارک قانون اساسی جدیدی تسوید کرد و فراندوم و انتخابات پارلمانی برگزار کرد که در نتیجه گروه های اسلامی "اخوان المسلمین"، "سلفی ها" و دیگر گروه های هم قماش شان در پیش نویس قانون اساسی جدید و در پارلمان اکثریت را بدست آوردند و محمد مرسی از حزب " اخوان المسلمین" که از حمایت امپریالیسم امریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی منطقه و جهان نیز برخوردار بود منحیث رئیس جمهور مصر "انتخاب" گردید. لیکن نا رضائی کثله های میلیونی مصر، روشنفکران مردمی و مترقی و حتی احزاب "سکولار" و " لیبرال" در مصر همچنان ادامه یافت. از آنجاییکه رژیم ارتجاعی مذهبی جدید در مصر نتوانست که همچنین نمی خواست که کمترین خواستهای دموکراتیک خلق مصر منجمله آزادیهای سیاسی، آزادی بیان، بهبود وضعیت اقتصادی، شغل مناسب، تأمین حقوق اجتماعی و مدنی مردم خاصاً خواستهای برحق کثله های وسیع زنان را برآورده کند و هر چه بیشتر به طرف اسلامی کردن جامعه مصر به پیش می رفت و اولین هدف این رژیم سلب حقوق و آزادیهای اجتماعی زنان مصر بود. بعبارت دیگر اولین قربانی در رژیم زن ستیز اخوان المسلمین زنان مصر بودند. چنانکه روزی زنان مصر در میدان تحریر علیه رژیم حسنی مبارک مبارزه کردند تا کناره رفت؛ لیکن در زمان حکومت مرسی تظاهرات زنان علیه بی

عدالتیهای دولت اسلامی توسط پولیس مصر و اعضای اخوان المسلمین باتمام بی حرمتی و بی عفتی مورد حملات وحشیانه قرار گرفت. همچنین که در اعتراضات هفته های اخیر، زنان مصری از جانب گروه های افراطی اخوان المسلمین مورد خشونت مضاعفی قرار گرفته اند از جمله خشونت و تجاوز جنسی. به همین رابطه دیده بان حقوق بشر می گوید: این تجاوزات در روزها ی گذشته روبه تزايد بوده است. روز (28) جون 5 مورد و روز (30) جون 46 مورد خشونت و تجاوز جنسی علیه زنان مصر از جانب گروه های اسلامی هوادار رژیم مرسی صورت گرفته است. زنان با زنجیرهای آهنی، چماق، صندلی و چاقو مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. همچنین وضعیت بد اقتصادی جامعه مصر طی مدت دو سال اخیر که بیش از پیش بر میزان بیکاری و فقر افزوده شد و سطح نارضائی توده های مردم مصر هم افزایش یافت و بعلاوه استبداد و اختناق رژیم اسلامی هر چه بیشتر بر خلق مصر فشار می آورد طی این مدت مبارزه زنان و روشنفکران مترقی در مصر تقریباً بلاوقفه ادامه یافت.

بعد از تقریباً دو سال از سقوط رژیم حسنی مبارک که استبداد و اختناق نوع مذهبی جایگزین استبداد قبلی شده بود؛ بار دیگر اعتراضات و تظاهرات گسترده ای روشنفکران و توده های مردم در مصر اوج گرفت و روز به روز گسترش بیشتری یافت. این اعتراضات مردمی علیه رژیم محمد مرسی از اوایل ماه جون امسال شدت بیشتری یافت و روز (31) جون تظاهرات و اعتراضات گسترده ای در سراسر مصر برگزار شد. بتاريخ اول جولای تظاهرات چندین میلیونی آرام مردم مصر علیه رژیم محمد مرسی توسط پولیس، نیروهای امنیتی و گروه های اسلامی چماق بدست و ارادل و اوباش هوادار رژیم اسلامی به زدو خورد کشیده شد. در همین روز (10) تن از تظاهرکننده ها کشته و حدود (1000) تن مجروح و ده هاتن توسط دولت دستگیر شدند. در این روز ارتش مداخله کرد و بیانیه ای صادر نمود و ظاهراً از طرفین (توده های مردم معترض و مرسی و هواداران اش) خواست که اختلافات خود را حل کنند. بعبارت دیگر اگر به تظاهرات خاتمه ندهند منتظر عواقب آن، یعنی وقوع کودتای نظامی باشند! این بیانیه که توسط ستاد کل ارتش مصر صادر شد؛ در حقیقت التیماتومی بود هم برای مرسی و هواداران او و هم برای توده های مردم مصر. ارتش مصر در بیانیه اش چنین گفت: "امنیت ملی مصر در خطر جدی قرار دارد و ارتش وضعیت خطرناک کنونی را احساس می کند". این بیانیه مدت (48) ساعت را آخرین مهلت اعلام کرد. قبل از این هم ارتش برای مدت یک هفته به طرفین مهلت داده بود و "از احساس مسئولیت در شرایط تاریخی وطن" سخن گفته بود. اما این فرصت بدون نتیجه سپری شد. در همین روز اول جولای مردم معترض دفتر حزب اخوان المسلمین را آتش زدند و اموال آنرا غارت کردند. اگرچه مرسی در این جریان "از تشکیل حکومت وحدت ملی" صحبت کرد؛ اما توده های مردم معترض به آن قانع نه شدند. همچنین محمد مرسی نیمه شب سه شنبه گفت که "استعفا نخواهد کرد و اگر دفاع از - مشروعیت قانونی - به بهای خون وی هم باشد" و "یک قدم به عقب باز نخواهد گشت". ولی مردم معترض با جدیت خواهان استعفای مرسی و دولت او بودند. مردم محمد مرسی را به عملی نکردن وعده های "انقلاب" دو سال ونیم قبل و استفاده از قدرت به سود حزبش (اخوان المسلمین) متهم می کردند. معترضان تا روز سه شنبه دوم جولای به مرسی مهلت دادند که از قدرت کناره گیری کند و یا اینکه نافرمانی عمومی اعلام خواهند کرد. ائتلاف ملی اعتراضات مردم از میدان تحریر تا دو کاخ ریاست جمهوری اتحادیه و قبه گسترش یافت. در همین روز در زد و خوردها بین توده های مردم و طرفداران مرسی حد اقل (16) تن جان خود را از دست دادند. روز دوم جولای هفت تن از وزرا و صدراعظم دولت مرسی در "همبستگی" به اعتراضات مردم از سمتهای شان استعفا کردند و این عمیقترین شکافی بود که در دولت مرسی بوجود آمد.

خیزشهای اخیر مردم مصر "جنبش ترمرد" نام گرفت. روز (2) جولای طبق گزارشات مطبوعات غربی رئیس ستاد ارتش امریکا با رئیس ستاد ارتش مصر عبد الفتاح السیسی تماس گرفت. در خیزشهای اخیر مصر البرادعی در رأس ائتلافی متشکل از گروه های "چپ" و "لیبرالها" قرار گرفت. در همین روز گفته شد که مخالفین دولت، البرادعی را به عنوان نماینده ای خود انتخاب کرده اند. و طوریکه بعداً آشکار گردید، البرادعی با اقدام ارتش به کودتا نیز موافقت داشته است. اینکه محمد البرادعی واقعاً از طرف توده های مردم برگزیده شده و از خواستهای مردم مصر نمایندگی می کند؛ قابل پذیرش نیست. زیرا خیزشهای اخیر نیز توده های مردم فاقد رهبری انقلابی و مترقی بودند و همین قماشهای مختلف نمایندگان طبقات

ارتجاعی مصر هستند که خود را "نماینده" مردم مصر را می زنند. زیرا با در نظر داشت سابقه محمد البرادعی که سالها از طبقات حاکم ارتجاعی مصر نمایندگی کرده و در رأس یک نهاد مهم بین المللی ("آژانس بین المللی انرژی اتمی") وظیفه انجام داده و مورد تائید دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی در این نهاد قرار داشته است؛ به هیچ صورت نمی تواند از خواستههای خلق مصر نمایندگی کند. همینکه محمد البرادعی اقدام ارتش را برای انجام کودتا حمایت و تائید کرده است؛ خود نشان می دهد که وی نماینده ای کدام طبقه اجتماعی مصر است! بدون شک محمد البرادعی نماینده طبقات ارتجاعی سرمایه دار و ملاک و خادم امپریالیسم، خاصاً امپریالیسم امریکا است. در همین روز ارتش مصر پیش نویس "نقشه راه"، تعلیق قانون اساسی، انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری را ارایه کرد. طبق گزارش (CNN) از قول سخنگوی وزارت دفاع امریکا؛ دولت امریکا و دیگر کشورهای غربی گفتند که "راه حل مشکل برای مرسی انتخابات زود هنگام است". این هم از طرفنها و عوامفریبیهای امپریالیستهاست. و کودتای ارتش مصر بدون چراغ سبز از جانب دولت امریکا ممکن نبود.

روز چهارشنبه (3 جولای 2013) نفرات ارتش در نقاط حساس پایتخت مصر مستقر شدند و نظامیان جلسه اضطراری تشکیل دادند و سقوط دولت مرسی را اعلام کردند. در همین روز ارتش ساختمان رادیو و تلویزیون مصر را محاصره و آنرا تحت کنترل درآورد و رهبران اخوان المسلمین در حصر خانگی قرار گرفتند. بالمقابل مرسی و هوادارانش گفتند که "آماده شهادت هستند". طی چهار روز قبل از کودتای ارتش درگیریهای خونینی بین توده های مردم معترض و طرفداران چماق بدست اخوان المسلمین صورت گرفت که ده ها تن کشته و زخمی شدند. در همین روز ارتش اخطار داد که "برای مقابله با تروریستها، افراطیون و دیوانگان هیچ تردیدی بخود راه نخواهد داد". لیکن باید این مسئله را نیز در نظر داشت که اخطار ارتش مصر متوجه توده های مردم معترض نیز بود. زیرا ارتش بیشتر از ادامه حرکت توده ها هراس داشته و دارد تا از نیروهای ارتجاعی اسلامی هوادار مرسی. طبقات حاکم مصر منجمله ارتش هر چه بیسترسعی داشتند تا حرکت اعتراضی چندین میلیونی توده های خلق مصر را متوقف کنند. بالآخره ارتش محمد مرسی را از قدرت برکنار کرد و عدلی محمود منصور رئیس داد گاه عالی قانون اساسی مصر را عهده دار امور دولت ساخت و قانون اساسی را بحالت تعلیق درآورد. شیخ الازهر از اقدامات ارتش حمایت کرد. باز هم توده های مردم مصر که با قدرت شان رژیم اسلامی را به سقوط وادار کردند ولی جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی مصر توسط ارتش ثمره مبارزات و فداکاریها و قربانیهای آنها را از کف آنها ربود و یکبار دیگر توده های مردم مصر اغوا شده و از شنیدن این خبر توسط رئیس ستاد ارتش از تلویزیون به شادمانی پرداختند.

بتاریخ (3 جولای حزب "کمونیست" مصر اعلامیه ای صادر کرد و نیروهای مسلح مصر را "مدافعان امنیت ملی مصر" و "محافظان اراده و انتخاب مردم" خواند: حزب "کمونیست" همچنین در اعلامیه اش نوشت: "از دید حزب ما موضع متحد و مدنی مردم بیانگرا صالت، شرافت و آگاهی مردمی است که بر مخالفت قاطع خود با هرگونه سازش درباره حق خود برای داشتن یک زندگی آزادانه و شرافتمندانه تاکید دارند. آنها با روی کرد مسالمت آمیز و مدنی و ضمن دفاع از انتخاب مدنی خود حاضر به هرگونه فداکاری در راه حفظ حقوق خود هستند؛ حزب ما همچنین از موضع نیروهای مسلح و جانبداری قاطعانه آن از خواستههای همگانی مردم استقبال می کند؛ فقط مردم هستند که درباره راه مناسب برای بیرون رفتن از این وضعیت تصمیم می گیرند؛ ما مردم مصر را فرامی خوانیم که تا برآورده شدن خواست های شان، میدانهای مبارزه را خالی نگذارند و انقلاب را رها نکنند".

توضیح: حزب «کمونیست» مصر، ارتش را «مدافعان امنیت ملی» مصر می خواند و اینکه در یک جامعه طبقاتی عرصه "امنیت ملی" چگونه تعریف می شود، مشخص است. این حزب باصطلاح "کمونیست" همچنین از ارتش منحیث «مدافعان اراده و انتخاب مردم» صحبت دارد؛ در حالیکه بین اراده و انتخاب و یا خواست و منافع مردم مصر و طبقات حاکم ارتجاعی تضاد اساسی عمیقی وجود دارد. و چیزی که ارتش مصر مانند همیشه از آن حراست می کند منافع طبقات ارتجاعی مصر و امپریالیسم حامی آنهاست. این حزب رویزیونیستی مانند دیگر احزاب و سازمانهای ارتجاعی بورژوازی و طبقات سرمایه دار و ملاک مصر سعی می کند تا اقدام کودتاگرانه ارتش را که بدون هیچگونه شکی به منظور حراست

از منافع طبقات حاکم ارتجاعی و امپریالیسم بین المللی و سرکوب مبارزات خلقهای مصر انجام داده و همچنین جلوگیری از توسعه و تعمیق مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه مردم مصر صورت گرفته است، توجیه کند. در اینجماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و اهداف این تشکل بورژوائی آشکار شده و از مقولات مترقی در جهت اغوای توده های خلق ناآگاه مصر سوء استفاده می کند. همچنین حزب «کمونیست» مصر در اعلامیه اش مردم مصر را به «مبارزه مدنی» تشویق می نماید. نوع مبارزه ای که همه طبقات ارتجاعی و امپریالیسم در کشورهای مختلف جهان از توده های مردم می خواهند که فقط خواسته های «مدنی» شان را مطرح کنند و فعالیتهای «مدنی» انجام دهند. در حالیکه خواسته های اساسی طبقات خلق بطور ریشه ای در قطب متضاد خواسته های طبقات حاکم ارتجاعی قرار دارند که نه از طریق «مبارزه مدنی، مسالمت آمیز» که از طریق مبارزه انقلابی و قهرآمیز امکان تحقق دارند. بهر صورت احزاب و سازمانهای رویونیستی رنگارنگ، از جمله تشکلات بورژوا فرورمیستی هستند که در کنار سایر تشکلات بورژوائی در حساس ترین شرایط به درون مبارزات توده های مردم خزیده و با جمله پردازی درگمراه کردن توده های مردم در جهت تحکیم پایه های قدرت طبقات حاکم ارتجاعی و سلطه امپریالیسم و جلوگیری از رادیکال شدن مبارزات مردم فعالیت می کنند. همچنین در حالیکه ارتش طی یک کودتا با اصطلاح «انقلاب» را مصادره کرده و همین حزب «کمونیست» آنرا «جانبداری ارتش از خواسته های همگانی مردم» خوانده و آن را صحنه گذاشته است؛ ولی از توده های مردم می خواهد که «انقلاب» را رها نکنند! کدام «انقلاب» را!! در حالیکه انقلاب واقعی خلق مصر ماهیتاً انقلاب دیگری است که در آن مبارزات توده های خلق اعم از کارگران و دهقانان فقیر و روشنفکران مردمی و مترقی و دیگر طبقات و اقشار زحمتکش و تحت ستم یک کشور توسط یک حزب و واقعاً انقلابی طبقه کارگر رهبری می شود.

بتاریخ (4) جولای محمدمرسی و رهبران برجسته اخوان المسلمین ممنوع الخروج شدند. محمد البرادعی و رئیس الازهر و رهبر مسیحیان قبطی مصر از کودتا (بقول آنها) «تصمیمات ارتش» حمایت کردند. و عدلی محمود منصور منحه رئیس جمهور موقت سوگند یاد کرد و در همین روز ارتش بر تمامی استودیوها و شبکه های اسلامی حمله کرده و کارکنان آنها را بازداشت کرد. در همین روز کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با صدور اطلاعیه ای از عزل محمد مرسی از قدرت استقبال کرد و اورامانغ تحقق دموکراسی در مصر خواند. و برخلاف بارک اوباما در «تصمیم نیروهای مسلح مصر و برکناری رئیس جمهور مرسی و تعلیق قانون اساسی ابراز نگرانی کرد» و امر بازنگری کمکهای اعطائی به مصر را داد. که این هم از جمله اغواگریهای امپریالیسم است. زیرا ارتش مصر بدون مشوره دولت آمریکا ممکن نبود که اقدام به کودتا بنماید. و این موضع فریبکارانه دولت آمریکا به منظور فریب افکار عامه مردم آمریکا، مردم مصر و افکار عامه جهان است. باین عبارت که گویا دولت آمریکا طرفدار «دموکراسی» و از کودتا طرفداری نکرده و خواهان انتخابات «دموکراتیک» است. ولی وزیر خارجه انگلستان شرایط کنونی مصر را خطرناک توصیف کرد. ارتش مصر بعد از بازداشت محمد مرسی، تعدادی از چهره های برجسته اخوان المسلمین را نیز بازداشت کرد و گفته شد که در پی گرفتاری صدها تن دیگر است. و در همین روز مجلس علیای مصر منحل شد.

بتاریخ (4) جولای حزب «سوسیالیست» مصر بیانیه ای صادر کرد و به مردم مصر گفت: «در خیابانها بمانید، تمام قدرت متعلق به مردم است. همچنین این حزب در بیانیه اش می گوید: نه تنها مردمی که به خیابانها آمدند تاریخ خود را می سازند، بلکه رقم زننده تاریخ بشریت اند. آنها اثبات کرده اند که تمامی قدرت درید مردمان انقلابی است و نه در دست اخوان المسلمین و حزب رهائی ملی و نه حتی در دست ارتش یا پلیس؛ وضعیت انقلابی بی سابقه ای حول این خواسته که مرسی و گروهش از قدرت کنار روند، شکل گرفته است. خطاب ما به به کارگران و توده های مردم این است که کمیته های مردمی خود را در محل کار و در نزد همسایگان تان شکل دهید؛ ما به تمام نیروهای انقلابی و مشارکت کنندگان در کمپین شورش می گوئیم که علیه هر نوع زد و بند و مصالحه، فشار آمریکا یا کودتا مقاومت کنید؛ ما تصریح می کنیم که هر دولت انقلابی بی که روی کار می آید باید موارد زیر را در اولویت قرار دهد:

1 - اقدامات بلادرنگ به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی به نفع میلیونها فقیر و افراد کم درآمدی که سهم بسیاری در برکناری مرسی و شورای نظامی پیش از آن داشتند. این اقدامات به منظور تحقق اهداف انقلاب است.

2- انتخاب مجلس موسسان باید نمودی از تمام بخشهای مردم باشد. کارگران، دهقانان، فقرا، مسیحیان قبطی، زنان- تابوتان قانون اساسی مدنی و دموکراتیکی نوشت که پایدار ارزشهای آزادی و عدالت اجتماعی باشد.

3- تهیه پیش نویس قانون عدالت انتقالی که علیه اخوان به خاطر خون هایی که به هدر داد، همانند شورای نظامی و نمادهای رژیم مبارک اقامه دعوی کند و خواهان کیفرخواست به نفع شهدا و مصدومین انقلاب باشد. بمانیم و تاجایی فشار آوریم که دیگر هیچ فرصتی برای خائنان و فرصت طلبان باقی نگذاریم تا انقلاب شکوهمند ما را بر بایند، ما اذعان می داریم که اعتصاب سراسری سلاحی برای تمام کارگران مزدی، کارمندان و متخصصان است. اعتصاب سراسری حتی از بسط نشینی و تظاهرات نیز سلاح نیرومندتری است، زیرا همین اعتصاب سراسری بود که کار مبارک را یک سره کرد. اعتصاب ها سلاح ما برای مقابله با هر نوع زدوبند یا تلاشی به منظور کودتا علیه خواسته های توده های مردم خواهد بود. همچنین کریمه حفنوی دبیرکل حزب سوسیالیست مصر روز سه شنبه اعلام کرد که: امریکا و رژیم صهیونیستی به کمک عوامل رژیم حسنی مبارک تلاش می کنند که رئیس جمهور تابع و اشنگن را روی کار بیاورند".

توضیح: در اینجا اگر منظور حزب "سوسیالیست" نمایش پتانسیل قدرت مبارزاتی توده های خلق مصر در سرنگونی رژیم محمد مرسی باشد، حرف درستی است. زیرا این قدرت بلامنازع توده های خلق مصر بود که مبارک و مرسی را از مسند قدرت بزرگشیدند؛ ولی اگر منظور "حزب سوسیالیست" این باشد که اکنون تمام قدرت سیاسی در مصر متعلق به مردم باشد، طوریکه می گوید، نه درست اخوان و درست ارتش؛ کاملاً غیر واقعی است. و همچنین حزب "سوسیالیست" صحبت از این دارد که "هر دولت انقلابی ای که روی کار می آید؛ جز توهم چیز دیگری نیست. زیرا در عمل چنانکه به عینیت ملاحظه می شود جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی مصر از پوتانسیل نیروی توده های میلیونی خلق مصر در جهت کنار زدن رژیم مرسی سوء استفاده کرد و ارتش طی یک کودتا همه اهرم های قدرت دولتی را در دست گرفته است. در شرایط کنونی مصر مانند شرایط دوسال قبل که طبقات حاکم ارتجاعی تمام دست آوردهای مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه خلق مصر در سرنگونی رژیم مبارک را مصادره کردند که نتیجه اش رژیم ارتجاعی اسلامی تحت رهبری اخوان المسلمی و سلفیها بود. اکنون نیز جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی مصر از پتانسیل نیروی مبارزاتی توده های خلق مصر و روشنفکران مترقی در سرنگونی رژیم اسلامی مرسی سوء استفاده کردند و زمانی دیدند که توده های چندین میلیونی مصر هر چه بیشتر بسیج شده و براه افتاده اند؛ دچار واگه شده و با تمام ترفند های کودتا پرهیزی "ارتش فوراً دست بکار شد و کودتای نظامی انجام داد و تمام ثمره ای مبارزات، قربانیها و فداکاریهای توده ای خلق مصر را مصادره کرد. برخلاف ادعای حزب "سوسیالیست" قدرت سیاسی در کشور مصر همچنان در دست قدرت طبقات حاکمه ارتجاعی مصر به نیابت آن ارتش است. و عملاً جلو پیشرفت مبارزات توده های میلیونی خلق مصر گرفته شده است. همچنین دستور "ایجاد کمیته های مردمی" از جانب حزب "سوسیالیست" در شرایط تسلط همه جانبه رژیم کودتائی در جامعه مصر و آنهم بدون موجودیت یک رهبری انقلابی مردمی، فقط جمله پردازی است تا ارزیابی درست از واقعیت جامعه مصر و موقعیت کنونی توده های خلق که چگونه نمایندگان طبقات ارتجاعی در رأس مبارزات آنها قرار گرفتند و با ارتش به سازش رسیدند و کودتا انجام شد و جلو پیشرفت و گسترش مبارزات توده های مردم را گرفتند. و توده های خلق در واقع خلع سلاح شدند و همان نتیجه مبارزه "مسالمت آمیز" هم از آنها گرفته شد. و اکنون طبقات حاکم ارتجاعی در تصفیه حسابهای درونی شان از آنها علیه چماق بدستان و اوباشان گروه های اسلامی سوء استفاده می کنند و هر چه بیشتر خون آنها را به هدر می دهند. به همین صورت طرح خواستهای دموکراتیک تاهمین سطح هم از دولت کودتائی؛ باز هم جز اغفال و اغوای توده های خلق مصر چیز دیگری نیست. زیرا چگونه ممکن است که از دولت ارتجاعی بیرون آمده از کودتای

نظامی توسط ارتشی که وسیله ای سرکوب توده های خلق و غلام حلقه بگوش امپریالیسم امریکا است؛ بتوان عملی کردن چنین خواستهای را آن انتظار داشت؟ طرح این خواستها از طبقات ارتجاعی مصر؛ بیشتر به منظور اغوای توده های مردم مصر صورت گرفته است، تا دفاع واقعی از خواستهای برحق خلقهای مصر. زیرا انتظار برآورده شدن خواستهای دموکراتیک مردم تا این سطح هم از طبقات حاکم ارتجاعی اگر از روی عدم آگاهی صورت نگرفته باشد؛ نوعی توهم و ساده انگاری را نشان می دهد.

بتاریخ (5) جولادی: محمد البرادعی رهبر "ائتلاف جبهه نجات ملی مصر" طی مصاحبه ای با بی بی سی گفت که: "ارتش به نمایندگی از خواست مردم وارد عمل شد" و وعده داد که نظامیان نقشی در سیاست عهده دار نخواهند شد. در همین روز طرفداران اخوان المسلمین علیه برکناری محمد مرسی تظاهراتی را برگزار کردند که به اثرتیراندازی ارتش بسوی تظاهرکننده ها دست کم سه نفر کشته شدند. واتحادیه افریقا در اعتراض به کودتای ارتش علیه مرسی عضویت این کشور را به حالت تعلیق درآورد. این سخنان البرادعی چنین می رساند که او می خواهد وانمود سازد که گویا این کودتا "به خواست و اراده مردم" مصر صورت گرفته است و یا ارتش به "نمایندگی از خواست مردم" وارد عمل شده است!! این همان ترفندهای همیشگی طبقات حاکم ارتجاعی است که از نیروی توده های خلق منحیث اعمال فشار بر جناح رقیب شان در حاکمیت استفاده کرده و خواستها و اقدامات خود را بنام مردم انجام می دهند. البرادعی هم منحیث نماینده جناح دیگری از طبقات حاکم ارتجاعی در جهت اغوای توده های مردم معترض همین گفته هارا تکرار می کند.

بتاریخ (6) جولای ارتش مصر اعلام کرد که البرادعی رابه حیث صدراعظم دولت موقت مصر انتخاب کرده است، ولی بعداً بنحوی این خبر تکذیب گردید. همچنین بنا بر گزارش سایت فارسی بی بی سی روز (6) جولای در درگیریها بین هواداران مرسی و مخالفان او (36) تن کشته و بیش از یک هزار تن مجروح شدند. درگیری در میدان تحریر قاهره در طول شب نیز ادامه یافت، چند نفر هم در اسکندریه در جریان تیراندازی کشته شدند و همچنین در چند شهر دیگر مصروف وقوع درگیریهای گزارش شد. گفته شد که زمانی ارتش به روی هواداران مرسی در نزدیکی یک پایگاه نظامی در قاهره آتش گشود و سه تن را کشت و بعد از آن درگیریها شدت گرفت. همچنین طرفداران محمد مرسی گفتند تا آن زمان که محمد مرسی به مقامش بازنگردد به تظاهرات ادامه خواهند داد. شب (8) جولای گروه های اخوان المسلمین، طرفداران محمد مرسی در قاهره به مقابل قرارگاه گارد ریاست جمهوری (جاییکه گفته می شود مرسی در آن زندانی است) تحصن کردند و قصد داخل شدن به این محل را داشتند که بر اثر شلیک ارتش بیش از (50) تن آنها کشته و بیش از (300) تن مجروح شدند. ارتش به خبرنگاران گفته است که "گروهی تروریست" قصد داشتند وارد محوطه نظامی شوند و یک افسر ارتش را به قتل رسانده اند و نیز گفت که دوصدتن افراد مسلح رانیز دستگیر کرده اند. در همین روز حزب اسلامی (سلفی) "النور" که نه ماه قبل از دولت اخوان المسلمین برآمد و ابتدا با انجام کودتا و بعد با انتخاب البرادعی به حیث صدراعظم موافقت کرد؛ لیکن بعد از این واقعه گفت که از تمام مذاکرات با دولت کناری رود. بتاریخ نهم جولای تظاهرات گسترده ای توسط گروه "اخوان المسلمین"، هواداران محمد مرسی برگزار شد. و بتاریخ دهم جولای دادستانی کل مصر حکم بازداشت رهبر "اخوان المسلمین" و تعدادی از اعضای این گروه رابه دلیل "تحریک به اقدامات خشونت آمیز" صادر کرد.

با آنکه میلیونها تن از خلقهای مصر با اتحاد و همبستگی تمام علیه رژیم اسلامی استبدادی و ضد مردمی برهبری محمد مرسی بسیج شدند و شجاعانه مبارزه کردند؛ ولی جریان خیزشهای گسترده ای اخیر توده های مردم مصر علیه رژیم محمد مرسی نشان داد که توده های خلق مصر نتوانستند حتی به حد اقل خواستها و مطالبات سیاسی و اجتماعی شان دست یابند. از آنجاییکه خلقهای مصر دارای یک حزب واقعاً انقلابی مردمی نیستند؛ هم چنانکه در خیزشهای دوسال قبل آنها نیروهای ارتجاعی اخوان المسلمین حاصل مبارزات آنها را تصاحب کردند؛ اینبار جناح «سکولار» و «لیبرال» از نمایندگان طبقات ارتجاعی فرصت یافتند تا از پوتانسیل مبارزاتی توده های مردم مصر علیه جناح رقیب (جناح ارتجاع مذهبی) که قدرت دولتی را در دست داشت، استفاده کردند. ولی ارتش این نهاد قدرتمند و وسیله سرکوب توده های خلق در دست طبقات ارتجاعی مصر این بار با شیوه ای دیگری وارد صحنه شد و نگذاشت که باز هم توده

های مصر مبارزات حق طلبانه ای شان را توسعه و تعمیق بخشیده و به خواسته‌ها و مطالبات سیاسی شان دست یابند. اما ارتش مصر هر چه زودتر دست بکار شد و طی یک کودتای نظامی رژیم مرسی را کنار زد و قدرت سیاسی را بدست گرفت و پیشرفت مبارزات آزادی خواهانه توده های مردم را متوقف کرد. و نیز اقدام اخیر ارتش مصر مبنی بر سرکوب خونین تظاهرات اخوان المسلمین و پیگرد و دستگیری رهبران آن؛ از یک طرف زهرچشم نشان دادن به گروه "اخوان المسلمین" است و از جانب دیگر هوشداری است به توده های خلق مصر و روشنفکران مردمی و مترقی تا در برابر وضعیت بوجود آمده اعتراض و یا "اخلال" نکنند. به هر صورت وضعیت بحرانی کنونی در مصر که عامل آن خود طبقات حاکم ارتجاعی هستند؛ شرایطی را بوجود آورده است که ارتش مصر با تمسک به آن می تواند برای مدتی هر حرکت حق طلبانه خلقهای مصر را سرکوب کند. ولی توده های خلق مصر خاصاً روشنفکران مترقی و مردمی باید از شکستهای شان طی دو نیم سال اخیر بیاموزند که زمانی مبارزات آنها به فرجام پیروزمند آن می رسد که توسط یک حزب انقلابی پرولتری رهبری شود. فقط با سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی سرمایه دار و ملاک و قطع کامل سلطه امپریالیسم است که خلقهای مصر به استقلال و آزادی، دموکراسی واقعی و حاکمیت طبقاتی خود شان دست می یابند.

11 جولای 2013

(پولاد)